

حال و هوای این روزهای ورزش

اوضاع ورزش چندان به سامان نیست. هرگوشه ای از آن را که بنگری با مشکلی مواجه خواهی شد. حاکمیت چنین جوی برای کسانی که دل به ورزش می سوزانند و ورزش را برای ورزش می خواهند بسیار آزار دهنده است. آنهایی که عمری را در ورزش گذرانده و مویی سفید کرده اند تحمل چنین جو و فضایی را نمی توانند داشته باشند.

ورزش در گذشته های نه چندان دور حال و هوای خاص خود را داشت. همیشه از آن بوی یک رنگی، وحدت، جوانمردی و مردانگی به مشام می رسید. برای چهره هایی که با قصد آلوده کردن فضا پا به عرصه ورزش می گذاشتند کم تر امکان تاخت و تاز و دستیابی به هدف داده می شد.

حفظ حرمت در آن جایگاه خاص داشت. هرکس به اندازه خود مورد احترام واقع می شد و حرمت شکنان کم تر فرصت رسیدن به نیت پلید را به دست می آوردند.

در ورزش متخلفین به سزای اعمال خود می رسیدند. معامله و ساخت و پاخت های پشت پرده و قربانی کردن مصالح عموم در پای منافع شخصی در آن به ندرت دیده می شد. اگر پیدا می شد فردی که اصول را زیر پا می گذاشت برخورد با وی در کوتاه ترین زمان ممکن صورت می پذیرفت و هیچ وقت اصول به خاطر فروع در زیر پا له نمی شد.

در ورزش صداقت و یک رنگی در صف مقدم قرار داشت. رنگ عوض کردن و هر روز در یک جبهه ای پرچم برافراشتن و مدام سنگ این و آن را به سینه زدن وجود خارجی نداشت.

ورزش برای ورزش مورد توجه قرار می گرفت. ورزش دکان دونبشی نبود که هر کسی از راه برسد کیسه ای برای آن بدوزد و فقط به فکر دوشیدن آن باشد. همچنانچه ورزش مقدس بود همه متعلقات به آن نیز به دیده احترام نگریسته می شد و چشم طمع بر آن ها دوخته نمی شد.

ورزش وسیله ای برای رسیدن به اهداف سیاسی و باندها و جناح های به اصطلاح امروزی تلقی نمی شد. همه در حفظ قداست و حرمت ورزش متفق القول می شدند و عظمت آن را با هیچ چیز دیگری قابل معامله و معاوضه نمی دانستند.

ورزش به همه وابستگانش درس بزرگی و مردانگی می داد و کسانی که در این عرصه فعال می شدند در پیشگاه مردم از یک جایگاه و احترام ویژه ای برخوردار شده و در مواقع ضروری مردم بر روی آنها حساب خاصی باز کرده و انتظار دیگری از آنها داشتند.

در ورزش باند و باند بازی و از قربانی کردن حقیقت در پای مصلحت خبری نبود. این که کسانی پیدا بشوند و برای ماهی گرفتن به آلوده کردن آب اقدام نمایند و این و آن را به جان همدیگر به اندازند و در پشت پرده با هر دو طرف بر سر میز مذاکره بنشینند و برای این که به اهداف برسند ورزش و چهره های صادق آن را بدنام کنند، اثری حتی به اندازه سر یک سوزن قابل رویت نبود.

ورزش ما چرا به این روز افتاده و چرا و چگونه در دریای نامردی ها، بی اخلاقی ها، چند چهره گی ها، منفعت طلبی ها و بی وفایی ها دست و پا می زند؟ چه عواملی در به وجود آمدن جو بی اعتمادی و جایگزین شدن دشمنی ها به جای دوستی ها و مودت ها دخیل بوده اند؟ چرا باید ورزش به عرصه ای برای زورآزمایی ها، قدرت طلبی ها، اندیشه های فاسد و یکه تازی های برخی از چهره های نه چندان مقبول تبدیل بشود.

ورزش و ریاست چند روزه بر آن در تمامی زمینه ها از مدیریت کلانش گرفته تا پائین ترین سطح، ارزش آن را که دامن ورزش را آلوده به خصایص و رفتارهای نکوهیده و مذموم بکنیم، ندارد. وقتی گفته می شود که ورزش مقدس است و عرقی که در آن ریخته می شود قابل احترام می باشد پس باید اطمینان داشت آنهایی که نقاب بر چهره قصدی جز ضربه زدن به ورزش و ورزشی ها را ندارند دیر یا زود رسوای خاص و عام خواهند شد.

ورزش ما نیاز به همت آنهایی دارد که صادق اند و ورزشی، پاک هستند و فرمانبردار خدا، عاشق هستند و دلداده، مرد هستند و با گذشت، قوی هستند و خداشناس، مؤمن هستند و بی ریا، یک چهره هستند و مخالف با فساد در ورزش در همه ابعاد، راستگو هستند و بیزار از دروغ گویان و روباه صفتان و در یک کلمه انسان به معنی واقعی.

ورزش استان می تواند در همه زمینه ها حرف برای گفتن داشته باشد. از بعد قهرمانی و همگانی تا مهم تر از همه بعد اخلاقی و تربیتی قادر به درخشش در تمامی صحنه ها می باشد به شرطی که در آن فرصت برای فرصت طلبان و نان به نرخ روز خورها و کاسب های

چند چهره و مدعیان دروغین طرفداری از ورزش داده نشود.

این مطلب خطاب به افراد خاصی نوشته نشده است. امیدواریم که در بین خوانندگان ، افرادی پیدا نشود که مطلب را منتسب به خود بکنند. این نوشته دردلی است از حال وهوای ورزش این روز های ما که امیدواریم با توجه حق اوضاع آن رو به بهبود گذارد.